

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۱۷۴۵۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه
شمارهٔ ثبت کتاب

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی
17456

وعظ

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل افلاک الدایرة والکواکب السایرة والصلوة والسلام علی محمد وآله الابرار این مختصریست

در معرفت تقویم و اصطلاحات وی مناسب تنجیم بالتماس [illegible] قطب الدین سلطان محمد [illegible]

مشتمل است بر مقدمه و ده باب. در حساب جمل [illegible] ابجد [illegible] صح

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

برای اعداد وضع کرده اند و از یکی تا بی هزار ... و اول ابجد [illegible]

دیگر اعداد از حروف مرکب بدین طریق که بیشتر را مقدم دارند و کمتر را موخر مثلا یازده و دوازده

یازده یا بیست و شش سیصد و سی و شش هزار و هفتصد و هشتاد و چهار [illegible] هزاران

مضاعف شود رقم آن علامت رقم هزار مقدم دارند مثلا سه هزار دوازده هزار

در مقام هفت روز [illegible] یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه

پنجشنبه آدینه شنبه و بعضی علامت شنبه را صفر کنند [illegible] در تاریخ

عربی اسم ماههای ایشان اینست محرم صفر ربیع الاول ربیع الاخر جمادی الاول جمادی الاخر رجب

شعبان رمضان شوال ذی القعده ذی الحجه و اول ماه [illegible] ایام هر ماهی [illegible]

[illegible] چهار ماه [illegible] در [illegible] اول ماه [illegible]

[illegible] روزهای این تاریخ [illegible] رقم عدد روزها [illegible]

این تاریخ از هجرت [illegible] در تاریخ رومی و نام ماههای ایشان که

[illegible] تشرین الاخر کانون [illegible] حزیران [illegible]

[illegible] تشرین الاول کانون الاول کانون الاخر [illegible] ادار [illegible]

سی و یک

[illegible] روز [illegible] سال [illegible] سال [illegible]

[illegible] تاریخ ارقام اسکندر [illegible] بنی اسرائیل

در تاریخ [illegible] نام ماههای ایشان فروردین ماه اردیبهشت ماه خرداد ماه تیر ماه مرداد ماه شهریور ماه

[illegible] آبان ماه آذر ماه دی ماه بهمن ماه اسفندارمذ ماه [illegible] آخر [illegible]

اسفندارمذ ماه [illegible] تاریخ [illegible]

[illegible] در تاریخ ملکی [illegible] سلطان جلال الدین ملکشاه

[illegible] نام ماهها [illegible]

[illegible] سال [illegible]

[illegible] آفتاب [illegible]

[illegible] تقویم [illegible] جدول [illegible]

[illegible] روزهای هفته [illegible] تواریخ [illegible]

[illegible] هفته [illegible]

[illegible] کواکب سیاره هفتند زحل مشتری مریخ شمس

زهره عطارد قمر [illegible] افلاک [illegible]

[illegible] کواکب [illegible] تقویم [illegible]

ایشان [illegible] زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر [illegible] کواکب شمس

و قمر را نیرین گویند شمس را نیر اعظم و قمر را نیر اصغر و زحل و مریخ را نحسین گویند زحل را نحس اکبر

و مریخ را نحس اصغر مشتری و زهره را سعدین گویند مشتری را سعد اکبر و زهره را سعد اصغر

[illegible] زحل و مریخ [illegible] مشتری و زهره [illegible] تثلیث و تسدیس سعد [illegible]

کبیسه

دورها و تواریخ

نیرین شمس قمر
زحل و مریخ نحسین
اکبر - اصغر
مشتری - زهره سعدین
نیرین در نظر تثلیث و تسدیس سعد

در نظر تربیع و مقارنه و مقابله نحوس عطارد و مریخ [illegible] زیرا که هر کواکب [illegible] زحل و مشتری و مریخ
فلک ایشان زیر فلک شمس است سفلی و کواکب علوی و شمس مذکر و زهره و قمر مؤنث و کواکب [illegible] الا مریخ
نهاری اند و مریخ و زهره و قمر لیلی و عطارد ممتزج است و پنج کوکب را بغیر از نیرین متحیره خوانند زیرا که
گاه مستقیم باشند یعنی بر توالی حرکت کنند و گاه مقیم باشند یعنی حرکت نکنند و گاه راجع باشند یعنی بر خلاف
توالی حرکت کنند و حرکات کواکب سبعه سیاره در فلک مختلف باشند چنانکه شمس هر روز [illegible]
بروج را در یکسال بر کند [illegible]
[illegible] دور فلک کند و زحل [illegible] سال [illegible]
[illegible] سال [illegible] یکسال [illegible]
[illegible] ماه [illegible] مستقیم [illegible]
ماه [illegible] سال [illegible] سال بر کند و
[illegible] ماه [illegible]
[illegible] سال تمام کند [illegible] مستقیم [illegible]
[illegible] کواکب که بر آسمان باشند ثابته خوانند [illegible]
[illegible] سال [illegible] سال قطع کند [illegible]
[illegible] افلاک [illegible] خوانند [illegible]
[illegible] حرکت [illegible] افلاک [illegible] حرکت [illegible]
در احوال بروج [illegible] فلک هشتم [illegible] دوازده بخش کرده اند و هر یکی را برج گویند و
[illegible] سی بخش کرده اند و هر یکی را درجه [illegible] و اسامی بروج این است حمل ثور جوزا سرطان
اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو حوت با علامات ایشان [illegible]

عطارد
ممتزج
افلاک سفلی
وکواکب علوی
شمس مذکر
زهره - قمر مؤنث
کواکب [illegible] نهاری اند الا مریخ
مریخ زهره قمر لیلی وعطارد
شمس ج
ه کوکب را بغیر از نیرین متحیره
خوانند بسبب آنکه گاه مستقیم
باشد یعنی بر توالی حرکت کند و
گاه مقیم گاه راجع باشد یعنی
بر خلاف حرکت کنند .

[illegible] و همچنین تا حوت و [illegible] ایشان [illegible] درجات و دقایق [illegible]
[illegible] اگر چون [illegible] دقایق [illegible]
[illegible] درجه شود [illegible] تقویم [illegible] جدول [illegible] کنند
[illegible] کواکب سبعه سیاره [illegible] جدول [illegible] برج [illegible] درجه [illegible] دقیقه و
[illegible] کواکب [illegible] تشریب
[illegible] دقیقه [illegible] کواکب [illegible] مستقیم [illegible] بروج حمل و ثور و جوزا بجای بهار
[illegible] بجای [illegible] سرطان اسد و سنبله بجای تابستان اند میزان عقرب و قوس
[illegible] جدی و دلو و حوت بجای زمستان اند و بجای اوایل این چهار فصل که ران حمل و سرطان
و میزان و جدی [illegible] خوانند [illegible] ثور و اسد و عقرب و دلو [illegible] ثابته خوانند
[illegible] جوزا و سنبله و قوس و حوت [illegible] بجای بهار و
تابستان را شمالی [illegible] بجای خریف و زمستان را جنوبی و منخفض گویند و بروج زمستان و
بهار معوج الطلوع اند و بروج تابستان و خریف مستقیم الطلوع اند و بروج تابستان و خریف مستقیم الطلوع
و حمل [illegible] ثور [illegible] ترتیب [illegible] باب اول [illegible]
[illegible] آفتاب [illegible]
[illegible] تقاطع [illegible]
آفتاب [illegible] کواکب [illegible]
[illegible] سال [illegible] ماه [illegible] قطع کند [illegible] راس [illegible] تقویم
[illegible] درجه [illegible] دقیقه [illegible] برج [illegible] درجه
[illegible] راس [illegible] تقویم [illegible] راس

١ حمل ثور جوزا ١
٢ سرطان اسد سنبله ٢
٣ میزان عقرب قوس ٣
٤ جدی دلو حوت ٤ ذوجسدین
منقلب
ثور - اسد - عقرب - دلو
ثابتند
بجای بهار و تابستان را شمالی [illegible]
خوانند
بجای خریف و زمستان [illegible]
جنوبی و منخفض خوانند
بروج زمستان و بهار معوج
الطلوع خوانند
تابستان و خریف مستقیم الطلوع
دانند
بروج تابستان و خریف مستقیم
الطلوع اند
[illegible]

معدل النهار ... زایند و در نقصان کاهند و سود ... مدار ... تعیین شود

و ساعات شبانروز نیز تکرر در ... از نصف النهار تا نصف النهار دیگر یا ...

تا شام ... اهل ... از طلوع شمس تا طلوع دیگر حساب کنند و هر ...

هر ساعتی ... و تقویم ... هر روز ساعات ...

... ساعات ...

باقی ساعات ... و در اوقات تحویل شمس بسرطان افزایند و در نقصان ...

... تحویل شمس بسرطان بود ...

وقت تحویل شمس بحمل ... وقت تحویل شمس بحمل و میزان ... و این ساعات را مستوی

خوانند و اگر هر ... ساعات را زمانی و معوج خوانند

و مقدار هر ساعتی ... کوتاهی ... افزایند و میکاهند ... انظار و مناظر

اما نظر ... دو کوکب ... یکدیگر ... جمع شوند ... قران ...

گویند اگر این حال میان ... اجتماع گویند و اگر میان شمس و یکی از کواکب ... احتراق

آن کوکب خوانند ... میان دو کوکب ... خوانند ... اگر میان این دو کوکب

سدس فلک است ... ربع بود تربیع خوانند و اگر ... تثلیث گویند و اگر ... بود

مقابله ... استقبال گویند ... نظر ... اعتبار نکنند و ... مجاهد

خوانند ... اما ... احتراق ...

نباشد ... دو کوکب ... از آفتاب ...

و هفت ...

... اتصالات ... خوانند ...

... بمقدار ... مشهور ... از برجی ببرجی ... انفصال

اما ... مطلع ... کوکب ... باشد که هر گاه که از آفتاب ... درجه

باشد مقدار ... باشد ... دو موضع باشد که ...

سرطان ... مثلا ...

... سرطان ... برج ... مطلع ... کوکب

... باشد که ... مطالع ... باشد و مطالع قوس باشد ...

البروج ... این چنان باشد که ... باشد که ... از اول حمل ... برابر

بود مثلا ... اگر ... از اول حمل ... برج ...

بود ... از ... چهار برج ... و تناظر در میان انفصالات ... باشد که کوکبی

متصل است ... اتصال ... استقبال ...

... میان ... منازل ...

تسدیس تربیع تثلیث مقابله احتراق ... ناظر ... ناظر مطلق

... در میان بروج دوازده گانه ... هشت

منزل قمر که معلوم داشتن اسامی منازل شرطین بطین ثریا دبران هقعه هنعه ذراع نثره طرف جبهه

زبره صرفه عوا سماک غفر زبانا اکلیل قلب شوله نعائم بلده سعد ذابح سعد بلع سعد السعود سعد اخبیه مقدم مؤخر

رشا ... هر منزلی باشد ... هر منزلی که باشد نام آن منزل ...

... منزل ... در آن منزل در مشرق ظاهر

شود طلوع آن منزل ... اتصالات ... هر کوکبی ... از شعاع آفتاب بیرون

آید ... شعاع آفتاب مخفی شود ... اتصالات ... طلوع ... خفا

بود واجتماع واستقبال کرد در هر ماه واقع شود و بر ممحرفت دانستن آن اوقات اتصالات کمل در جدول آن ایشان بیارند

و تعیین روز سطلمات وتقاویم انها بکند و درج طالع و درج ماء زره درجات وتقاویم آن بکند و هریک

هم نویسند و طالع درجات بکنند درون وقت طلوع کند مقدار آن بود کرده را در وقت میان اسما

هم بودی و کلام درجات اجتماع نویسند و آن موضع بود او ملاک بترتیب در ابحاث آن کرده

و جزء استقبال هم نویسند و آن روز موضع شمس و قمر بود و درو مقی که بترتیب مقابله کنند و علامات اجتماع

واستقبال بود و در بعضی تقاویم طالع اجتماع واستقبال را بصورت داخله بیارند ٠ ١٢ نظرات قمر

با کواکب در و در حالات قمر و ممحرفت جهت هو اهی و ایام دو دقیقه اول ماه بود و جدول بیارند و ذنب

که قرنیت النهار و آن درج بود در جدول و از یکی نفس و جدا و آن جدول و از احجار انتقال قمر از برجی ببرجی وقت

ساعت و علامات روز انقضای انتقال بود و روز بود و علامات آنکه انتقال بود و شب بوقت کمال از آن روز بود و مرکز ایشی

شود جدول انکشید جهت نظر قمر بکواکب سیاره اول انها جدا از آن کواکب که جای بتوتیر انداز و دو جهت و روی

باشد که قمر با یکی از کواکب سیاره نظر داشته جدول آن کوکب رقم آن نظر درج رقم ساعتی که نظر در آن بود

و علامات روز نویسند و جدول دروز و هم نظر اتم شود که بعد حالی از آن است قمر از ابن اتصالات ورا

نظرات قمر با کواکب سیاره حاجات قمر خوانند و در میان جداول حاجات حالات قمر را طولی و کر نویسند

و علامات قمر جامد و بود بیاره سیار آنکه در جهت و قمر واقع شود و دیگر در سبیل قمر بود و تحت الشعاع آن

که بعد قمر از شمس قبل از اجتماع بداز ده درجه و خارج الشعاع هم نویسند و آن دقیقه بود که بعد قمر

از شمس بعد از اجتماع بداز ده درجه تباید و دیگر شرف قمر و هبوط وی نویسند و همچنین نور دیگران از سبیل آن

قراءت شود و ده درجه حمل تا سر ده درجه ثور و طرفه محترقه در آن در سبیل آن قراءت شود و ده درجه

میزان تا سر درجه عقرب نویسند و علامات حالات قمر ابن است ما در دیس مسعد قمر با ذنب منحب قمر و در ثریا ما

قمر در هبوط ط قمر در بین قمر در طریقه محترقه قمر تحت الشعاع قمر خارج الشعاع و هم در بین ممحرفه

جدا

جداول جهت تاریخ ترک بیارند و جدولی دیگر جهت ساعات شب و هر که از کوکب سیاره و یکی بیارند

نحس بوده اند و این جمع کارها ٠ ١٣ دیار قاطعه در تقویم آورند قبل از اوراق دوازده گانه طالع

سال و صورت آن بیارند و در صورت طالع درجات خانها و ازده گانه از برج و مواضع کواکب

و جوزهر و سهام در صورت تحویل نقش کنند و بعضی از صورت طالع و تحویل آفتاب و مواضع

آن از برج بیارند و صورت هلال و انکار او موضع غروب شمس بر شمال یا جنوب بود و بار دیگر

با اظهار جدول علحده نویسند و در اوایل تقویم و دقیق چند از نقل یادیارند مانند تواریخ

انبیا و خلفا و احکام سال و غیر آن در آخر تقویم خسوف یا کسوف که در آن سال واقع شود و کلی

ساعت
به جزوی عقارب و طالع آن وقت بسی ساعتی که از وقت روز گذشته باشد یا وقت ابتدای و همچنین

وسط ساعات اختلاف نویسند و وضع در ابتدای بحر یا الفر نوع مشهود در عروضه ١٢ ٠

در احوال انظار بدانکه تثلیث نظر تمام دوستی است و تسدیس نیم دوستی و مقابله نظر تمام دشمنی است و

تربیع نیم دشمنی و مقارنه میان سعدین نیکو و میان نحسین بد باشد و قاطع این حیثیت بود و نظر

دوستی میان سعود باشد نیکو بود و نظر دشمنی بسیار بد باشد و نظر دشمنی میان نحوس بدی

بود و نظر دوستی میان ایشان چندان بدی نباشد و چون کوکبی بر وجه نظری باشد با کوکبی گویند

متصل است و چون اتصال تمام کند و دیگر در گویند منصرف است ١٥ ٠ در معرفت قوت و ضعف

کواکب است و این باب چهار قسم است قسم اول در خانه و وبال کواکب بدانکه حمل و عقرب خانه مریخ اند

ثور و میزان خانه زهره جوزا و سنبله خانه عطارد قوس و حوت خانه مشتری جدی و دلو خانه زحل

سرطان خانه قمر اسد خانه آفتاب و مقابل خانه هر کوکب وبال او بود قسم ٢ در شرف و هبوط کواکب

شرف آفتاب بوزده درجه حمل است و شرف قمر سه درجه ثور و شرف زحل بیست و یک درجه میزان

و شرف مشتری پانزده درجه سرطان و شرف مریخ بیست و هشت درجه جدی و شرف زهره بیست و هفت درجه حوت و شرف

[illegible marginal notes]

عطارد و پانزده درجه سنبله و مقابل شرف هبوط باشد و هر قسمی سیم در مثلثات و ارباب حمل
و اسد و قوس مثلثه ناری اند و ارباب این بروج شمس و مشتری و زحل به روز و به شب مشتری و شمس مقدم دارند و ثور
و سنبله و جدی مثلثه خاکی اند و ارباب به روز زهره و قمر و مریخ و به شب قمر بر زهره مقدم دارند و
جوزا و میزان و دلو مثلثه هوائی اند و ارباب این به روز زحل و عطارد و مشتری و به شب عطارد بر زحل
مقدم دارند و سرطان و عقرب و حوت مثلثه مائی اند و ارباب به روز زهره و مریخ و قمر و به شب مریخ را
بر زهره مقدم دارند قسم چهارم در اوج و حضیض کواکب اوج شمس و کواکب متحیره در هر هزار و شصت سال
از برجی به برجی منتقل شود و به مقدار سال شمسی یک درجه قطع کند و حضیض هر کوکبی مقابل اوج بود
الا عطارد که او را دو حضیض بود به سه برج دور از اوج در این تاریخ که نهصد و سی و چهار است از هجرت نبویه
و چهارصد و هفتاد و نه است از تاریخ ملکی اوج زحل در قوس است بیست و دو درجه و سی و هشت دقیقه و
اوج مشتری در میزان یک درجه و چهار دقیقه و اوج مریخ در بیست و چهار درجه و هفت دقیقه اسد است
و اوج شمس در چهار درجه و هشت دقیقه سرطان اوج زهره در بیست و چهار درجه و هفت دقیقه جوزا
و اوج عطارد در شش درجه یازده دقیقه عقرب و حضیضها از این جا معلوم شود و این را بیان عجیب
الشکل است اما قمر را اوج در وقت اجتماع و استقبال بود و حضیض در وقت تربیع ... و این کوکب در
خانه و شرف و مثلثه و اوج نیکو بود و مقابل این ضعیف باشد — ۱۲ در منسوبات کواکب و طبقات مردم
زحل کواکب اهل فلاح و لشکریان و ارباب ... و غلامان و خادمان و بیران و سیاهان است ۱۵
و مشتری کوکب وزرا و اشراف و سادات و قضات و علما و صلحا و مریخ کوکب امرا و اهل سلاح و دزدان
و عیاران بود و شمس کوکب ملوک و سلاطین و حکام و اعیان ... بود و زهره کوکب زنان و جوانان
و مطربان بود و عطارد کوکب دبیران و ارباب علم و حکما و منجمان و شاعران و هنرمندان بود
و قمر کوکب رسولان و مسافران و عوام الناس ... و زنان ... بود و ... عکس

۱۷

—۱۲ در معرفت بیوت اثنا عشر هر برجی که در وقت طلوع کند از طالع گویند و آن خانه
عمر و زندگانی و تن بود و ابتدای هر کاری و تعلق این خانه را در بعد از آن خانه دوم و آن خانه
مال و معاش و سود و زیان بود خانه سیم و آن خانه برادران و خواهران و خویشان و نقل
و حرکت نزدیک بود و خانه چهارم و او را وتد الارض خوانند خانه پدران و املاک و عواقب کارها باشد
پنجم خانه فرزندان و رسولان و هدایا و شادی بود و خانه ششم خانه بندگان و خدمتکاران و بیماران
و بیماریها و چارپایان خورد بود و خانه هفتم را وتد غارب گویند و نظیر طالع باشد و آن خانه ازواج
و خصمان و غایبان بود و خانه هشتم خانه مرگ و میراث و مال غایبان باشد خانه نهم خانه علم و
دین و مذهب و تعبیر خواب و سفر بود خانه دهم تعلق به عمل و دخل سلطان و مرتبه و این خانه را وسط السماء خوانند
خانه یازدهم خانه امید و سعادت و دوستان و یاران بود و خانه دوازدهم خانه زندان و دشمنان
و چارپایان و بند و زندان بود و هر خانه ای از این مدارات که گفته شد ده درجه و دقیقه باشد از برجی
اول که خوانند و حد هر خانه را ... ایشان مرکز بود و تا پنج درجه پیش از مرکز خانه که بعد
از او بود از این خانه طالع و دهم و هفتم و چهارم را اوتاد خوانند و یازدهم و پنجم و دوم و هشتم را
اوتاد ... و سیم و نهم و دوازدهم و ششم را زایل الاوتاد ... و دوازدهم از طالع ساقط اند
... خانه ها از نیرو ... ترتیب ... ضعیف ترین خانه ها خانه ششم
و دوازدهم بود ... ساقط ... که خانه چهارم ... از طالع
و آن ... و دیگر از طالع ... که ... باشد و مقابل برج
... باشد و مقابل ... سیم ... بود و هر خیر
تا م ... باشد ... — ۱۹ در احوال ... الحال ... که
... اگر ... کواکب متصل باشد
با اتصال ... کارها ... کواکب ... و تفصیل ... کند ...

کوکب خارج کرده باشد اگر کوکب سعد بود یا نحس و ان نظر مودت باشد یا عداوت اما نظر عداوت
مسعود را ملامتی و انکر پس هر گاه که ماه بسعدی متصل باشد خاصه سعد اکبر یعنی مشتری از بروج
منقلب نیک بود بتجارت و بیع و شری و از بروج ثابت مبارک بود در بنای عمارات و ... خانه و تحویل
کردن و ... و ... اشجار و از بروج ذو جسدین نیک باشد نقل و حرکت و تزویج و اکر
متصل بسعد اصغر بود یعنی زهره از بروج منقلب نیک باشد بتجدید لباس و قطع ثیاب و از بروج ... نیک
تزویج و ... و از بروج ذو جسدین ... و ... و اگر ماه ناظر
بمریخ بنظر عداوت بود انوقت ... سلاح نیک باشد ... و تجربه ... و سیاست و قتل سباع
و ... و اگر ناظر بنظر صداقت بود و ماه ... بود و ماه و بروج خاکی بود نیک بود عمارت
و ... و اگر در برج ... نیک باشد ... و اگر در برج ثابت باشد ...
بود بنای شهرها و حصارها و مقامهای عالی و اگر این نحس مریخ باشد و قمر خارج او بود در بروج منقلب
... و ... و اگر در برج ثابت بود نیک باشد
و ... و اگر در بروج ذو جسدین باشد ... ساختن
و ... و اگر قمر ناظر بشمس باشد ... و از بروج منقلب ... حاجت
و نقل و حرکت و اگر در بروج ثابت بود ... و ... و ... خاصه کرفتن
... باشد و ... از بروج ذو جسدین ... و ... منصب
و امثال این اعمال نیکو بود و از بروج آتشی ... ساختن و ... کردن و ...
و اگر قمر بنظر دوستی بشمس متصل بود ... و ... و ... و ... اگر ...
و اگر قمر متصل بود ان نظر ... و ... و ... و ...
کفتن و اگر استقبال بود ... و ... و ... اگر قمر ...
معطارد باشد و عطارد ... و اگر مسعود باشد ... سعد بود خاصه ...

سعد که ناظر خارج باشد و در انوقت ... تعلیم و کتابت و ... و ...
کارها ... کردن کارها که ان سعد بود و اگر ... بطریقی ... و ...
... و ... اداره ... ساختن ... ١٩
... که ... اختیارات ... که طالع اصل و طالع تحویل ... اختیار ...
... باشد و استادان این فن ... اختیار ...
موافق ... اختیار ... و ...
که طالع ... موافق بود ... و ... اگر موافق ... و ...
... این ... که ... و ...
... باشد اما ... موافق ... باشد ...
کوییم اختیار ... باشد ... که ... باشد و در ... اختیار ... صلاح ...
باید که ... صلاح قمر ... صاحب ... کوکبی که ... باشد چهارم طالع و ... صاحب طالع
خانه ... هفتم ... خانه ... باشد ... و ...
و ... کواکب اما صلاح حال ... و ... و صلاح حال کواکب ...
که ایشان ... و ... خانه ... باشد یا در اوج ... باشد یا در
یا در وج ... باشد مستقیم ... باشد یا ... بود ... چنان ...
یا ... طالع باشد یا ... خانه موافق ... باشد یا خارج ... باشد
با ... و ... و بال و هبوط و ... و رجعت و احتراق و ...
... و خارج ... و امثال اینها ... و ...
باید ... و باید که ... منقلب ... ثابت ... اختیار کند و ...
... باید که ... باشد که ... باشد و متصل ... باشد که ان ... باشد

مثلا جامه نو بریدن و پوشیدن را قمر در برج جدی باید غربات متصل بزهره کرکوکب منحوس بود و اکر

سفر بود قمر باید که در برج جدی باشد چنانکه فایت و اکر سفر بحر بود برج آبی باشد غربات و متصل بسعدی

بود و مشتری از سعدین خانه نهم که خانه سفر است و خانه هفتم که خانه مقصود است هر دو مسعود

باشند و تعلیم و تعلم را باید که ماه در جوزا باشد که صورت مردم دارد برج هوائی و سعد و متصل

با زحل و عطارد بود منظور هست تمام رفتن باید که قمر در خانهای مشتری یا مریخ بود

و فصد کردن باید که قمر در برج آتشی یا بادی بود اما اگر فصد دست بود باید که قمر در برج ناری

جدا شود و بنا نهادن را باید که قمر در برج ثابت باشد چنین بود در ضمن شمال و صاعد بود

و زحل نیک حال بود و خانه چهارم مسعود باشد و اعمال سلطانی باید که ماه در شرف یا در خانه

شمس یا ناظر با آفتاب بود و خانه دهم مسعود باشد و تجارت باید که قمر در برج منقلب بود متصل

بسعدین و پیمودن باید اما درخت باید که قرار سعدین بود و در

بسعدی متصل باقی جهات بر قیاس کند ۞ و در اشباه متفرقه بدانکه در وسط معموره

عالم حمل و حوت هر دو یکساعت و نیم طلوع کنند و ثور و دلو هر یک ساعت و نیم و جوزا و جدی دو دو

ساعت و سرطان و قوس دو دو ساعت و نیم و اسد و عقرب هر دو دو ساعت و نیم و سنبله

و میزان دو دو ساعت و نیم چنانکه استاد فرموده طلوع بروج و ساعات شش فصل کرم و حمل یا

اشارت آن بطی مجلس و زبده هو جل ناید بدانکه زحل سعد اکبر است و مریخ نحس و شتم

و مشتری سعد اکبر و زهره سعد اصغر و آفتاب نهم و قمر و سیوم و عطارد در طالع و مقابل فرح

فرح دانسته و بود که کواکب علوی بود و فوق الارض و ثلث تحت الارض کواکب سفلی را

بعکس این خوانند و هر چه از کواکب در برج خانه بود و در برج و بود کواکب

مونث در برج مونث در خانه مونث در برج مونث بود فرح باشد ... امراء و کواکب

زحل و مریخ و شمس کرم و خشک و مشتری و زهره کرم و تر با اعتدال و قمر

سرج

سرج و دنب عطارد بطبع کوکبی که بر سد مزاج او گیرد اما برج آتشی کرم و خشک است هوائی کرم و تر

آبی سرد و تر خاکی سرد و خشک باید دانست که هر یک از دوازده برج ... مسعود کرکب

کواکب سعد ... نیز بیم و ال ... هرجا ... از ساعات و هفته کوکبی

... کند و ساعت اول صاحب روز را بود و ساعت دوم کوکبی که در تحت فلک او بود چون

نوبت بقمر رسد باز بزحل آید ... ساعت روز تمام شود ... ساعت اول شب

از کوکبی بود که ... صاحب ساعت دوازدهم بود ... بدین ترتیب ... ازده

ساعت شب تمام شود بدانکه هر یک از کواکب ... برج جدا بود و آن چند درجه ...

بود و در حد در اختلاف بسیار است ... حد و ... مصریان است چنانکه در بین جدول

مرقوم است بدانکه هر برج را بقسم متساوی کرده اند و ابتدا از حمل کرده قسم اول را اضافت

داده اند یعنی مریخ و قسم دوم را بکوکبی که در فلک تحت وی بود یعنی شمس

قسم سیوم بزهره و هم بدین ترتیب تا آخر حوت که نوبت بمریخ

رسد و این تقسیم را وجوه کویند کوکب

...

والله اعلم ...

...

...

...

...

...

...

احوج ... سلیمان ... الله ولیا ...

الدهور ... اهل الضلال و ...

... والکرام

... السود ...

... المومنین ...

...

...

...